

گذری به صدر اسلام

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی در شرایطی این نوشتار را با فرزندان شهریار ولی بنگارش در میاوریم که ساعتهایی بیش به ظهورش باقی نیست. اینکه فردا را جهت ظهور شهریار ولی اختصاص داده ایم برای فرزندی که در ظرف یکسال و هفت ماه گذشته هر روز در انتظار ظهور بوده است شادی آفرین است. شهریار در دل بیتاب میباشد و این احساس برای هر بشری در چنین شرایطی که فرزند را دچار کرده میتواند شدیدتر و غلیظتر باشد. با اینهمه، شهریار ولی چنانچه در نوشتارهای متعدد توضیح داده ایم نه بشری چون شما بلکه خدایگانی ست که از بیشتر قوانین روحانی بشری پیروی نمیکند. اگر موضوعی شما را خوشحال یا غمگین سازد شهریار میتواند احساسی جداگانه پیدا کند و این بدین خاطر است که قلب فرزند با قلب ما پروردگار پیوند و اتصال دارد. پیرو پیامی که دیشب از ما دریافت داشت، فرزند ما از اینکه فرافکنی بیشتری صورت دهیم رویگردان است. از اینرو بیش از این شهریارمان را در انتظار باقی نمیگذاریم و در فردایی که اکنون بر آسمان سایه افکنده ویرا به ظهور میخوانیم. در آستانه جمعه موعود شهریار ولی با همسرش به کار در باغچه سرگرم بودند و پس از صرف نهار و استراحتی کوتاه شهریار آماده این خواهد بود که ساعتهای آخر پیش از ظهور را طی کند. ما پروردگار در بن جان شهریار حضور داریم و با مراوده ای لحظه بلحظه فرزند را هدایت میکنیم. این موهبت در هیچیک از گذشتگان اعم از نبی و ولی موجود نبود و تنها در برهه ای از زمان علی را بر آن توانا ساختیم زیرا بودن در بن جان فردی که در گیر و دار جنگهایی خونین بود بحالش نافع و سودمند دانستیم. از جنگهای دوران پیامبر گرفته تا برکندن درب قلعه تا جنگ جمل، علی ما پروردگار را در حضوری مستقیم داشت. از اینرو پیروزی با این فرزند همواره عجین گردید تا اینکه سرانجام با قتلی ناخوانمردانه به عمرش پایان داده شد. ساعاتی پیش از این قتل بود که ما به علی الهام کردیم که مرگش نزدیک است و با شمشیری زهرآگین بدست ابن ملجم به شهادت خواهد رسید. در آن هنگام بود که قلب علی را ترک گفتیم و به عرش الهی بازگشته فرشته معظم روح القدس را در قلبش جایگزین ساختیم تا از بروز

خلائی ناگهانی جلوگیری شود. رازی که روح القدس دقایقی پیش از ضربت به علی القا کرد این بود که میباید نام شهریار ولی را در شروع نمازش بر زبان آورد و موضع آنرا در انتهای تسبیحات اربعه شناسایی کرد، بنحو زیر:

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا مولا لی الا صاحب العرش

آنچه روح القدس به علی گفت این بود که با آوردن عنوان صاحب العرش که بخش عمده ای از اسم اعظم است شمشیر آخته بر او بلا اثر میگردد و احساسی که در لحظه ضربت باو دست میدهد گرمای بودن در زیر آفتاب میباشد و نه درد و سوزشی که از ضربه شمشیر مورد انتظارست. این البته بدین معنی نیست که علی از تجربه درد حذر داشت بلکه ما پروردگار بر او اکرام نموده راهی را برای نزدیکتر شدن به آستانمان در اختیارش گذاشتیم که همانا اظهار سرسپردگی نسبت به شهریار ولی در لحظه مشرف به مرگ بود. در گردن زدنهای طایفه بنی قریضه، علی بی توجه به رهنمود ما به اینکار دست زد و پس از اتمام خونریزی بحدی نادم و پشیمان شد که با گریه و استغاثه به درگاه ما طلب مغفرت نمود. البته علی از ناحیه ما بخشوده شد زیرا با همه شقاوتی که بخرج داد نیتش پاکیزه بود و بر اساس دیدگاهی صورت گرفت که محو خیانت را در میان قوم یهود در بر داشت. در اینجا میل داریم به خواننده اینرا القا کنیم که بر خلاف علی که ارتباطی با ما بصورت رئیس و مرئوس داشت، شهریار ولی رابطه ای را تجربه میکند که بر اساس عشق پدر و فرزندی ست. تفاوت این رویکرد از زمین تا آسمان است و کسی نباید این تصور را بذهن راه دهد که شهریار ولی با هر یک از امامان یا پیامبران همطراز میباشد. باری نوشتار به درازا کشید و میلمان تنها این بود که با گذری به تاریخ صدر اسلام و اشاره به وضعیّت روحانی صدر امامان به جایگاه بزرگی شهریار ولی نقبی زنیم و شما خواننده را آگاه سازیم. عشق شهریار ولی را در دل گذارید و بدانید که سعادت اخروی شما وابسته به داشتن این عشق است. اگر هم عقیده ای به آخرت در شما نیست با گذاردن عشق این شهریار ولی در دل کمالی را برای

خود حاصل میکنید که در غیر این حالت هرگز به آن نزدیک نمیشدید. عالم
اینرا بداند...